

درس خارج فقه استاد حمید درایتی

جلسه هفتاد و نهم، ۲۹ دی ۱۴۰۰

موضوع: کتاب الشركة/ شرکت تعاونی /ملحقات مباحث شروط

فائده

عمده ترین دلیلی که برای وجوب وفاء به عقد تمسک می شود، آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ...﴾ [1]، است که نسبت به مفاد آن چند بحث وجود دارد:

اول - برخی از فقهاء بر اساس مفاد این آیه معتقدند که اصل اولی نسبت به تمامی عقود (عقود رایج زمان صدور یا مطلق عقود عقلائی)، صحت است و بطلان شرعی هر عقدی نیاز به دلیل اثباتی دارد زیرا آیه حکم به وجوب وفاء نموده و وفاء به عقد از آثار و لوازم صحت عقد می باشد.

دوم - اگر این آیه ناظر بر همه ی عقود باشد، باید نسبت بین آن و آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ...﴾ [2]، سنجیده شود زیرا ممکن است عقدی مصداق اكل مال به باطل باشد (مانند قمار) در حالی که وجوب وفاء به عقد نیز شامل آن گردد. اکثر فقهاء قائل اند که آیه دوم مقدم بر آیه اول است اما وجه تقدیم آن نیاز به بررسی دارد.

سوم - بسیاری از فقهاء نظیر مرحوم شیخ انصاری و آیت الله خوئی، با توجه به مفاد این آیه ادعا نموده اند که اصل اولی در تمام عقود، لزوم است و جائز بودن هر عقدی نیاز به دلیل اثباتی دارد زیرا وجوب وفاء به عقد مترادف وجوب إبقاء بر عقد و اتمام آن است و فسخ عقد مناقض با وفاء به آن می باشد.

مرحوم آیت الله خوئی معتقدند عقود جائز اساساً عقد و التزام و تعهد نیست تا مشمول این آیه گردد بلکه إذن است (از آن تعبیر به عقود إذن می شود) و تخصیصاً از ذیل آن خارج می باشد؛ اما سایر فقهاء قائل به تخصیص عقود جائز می باشند. باید توجه داشت که لازمه ی تخصیص عقود جائز آن است که دلیل مخصّص وجود داشته باشد و حال آنکه نسبت به جائز بودن تمام عقود جائز، دلیل خاص وجود ندارد بلکه قاعده در عقود إذن، جواز دانسته شده است.

چهارم - اگر این آیه دلالت بر لزوم عقد نماید، باید رابطه ی آن با ادله ی وجوب وفاء به شرط (المؤمنون عند شروطهم) و اختیارات بررسی شود که آیا در موارد شرط یا جعل خیار، وجوب وفاء به عقد مقدم است یا فسخ ناشی از تخلف شرط یا خیار؟ [3]

مرحوم آیت الله خوئی معتقدند که اگر منشاء خیار، نصّ شرعی باشد (مانند خیار مجلس و حیوان)، تخصیص وجوب وفاء به عقد خواهد بود اما اگر منشاء آن شرط ضمنی و ارتکازی (مانند خیار غبن و عیب) و یا اشتراط متعاقدين باشد (مانند حقّ فسخ تا سه روز)، إلّزام به مفاد شرط جزئی از وفاء به عقد خواهد بود [4].

---

[1] مائده/سوره ۵، آیه ۱.

[2] نساء/سوره ۴، آیه ۲۹.

[3] اگر هر نوع عقد و تعهدی را هم شرط بدانیم، نسبت بین آیه شریفه و المؤمنون عند شروطهم، عموم و خصوص مطلق خواهد بود و شرط اعم از عقد و شروط ضمن آن می باشد.

[4] به نظر می رسد اگرچه مطالبه ی ثمن متعارف، جزئی از وفاء به عقد است اما فسخ مستند به غبن یا عیب (در اعیان شخصی) نمی تواند مشمول وجوب وفاء به عقد دانسته شود.